

هیئت تحریریه «کوردستان» فرا رسیدن نوروز کوردواری را به ملت کورد و مردم کوردستان تبریک می‌گوید و امیدوار است که سال پیش رو، سالی مملو از پیروزی و سربلندی برای تمامی مردم کوردستان و نیز سال رهایی ملل منطقه از تروریسم و استبداد رژیم حاکم بر تهران باشد.



نوروز و سال نو برهمگان پیروز باد

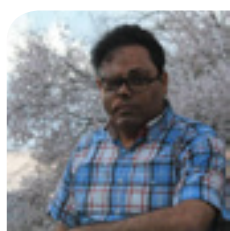
کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

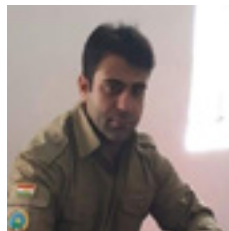
www.kurdistanmedia.com

شماره ۷۴۶ پنجمین (۱ فروردین ۱۳۹۸)، ۲۱ مارس ۲۰۱۹



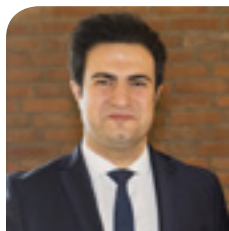
عراق در کشاکش
ایران - آمریکا

۷



سه اصل رئالیستی
در سخنان مصطفی هجری

۵



پویایی شکنجه در نظم حقوقی -
امنیتی جمهوری اسلامی ایران:
مطالعه موردی

۴



پیام نوروزی مصطفی هجری،
مسئول اجرایی حزب دمکرات
کوردستان ایران

۴

ملت کورد پاینده و پابرجاست



پیام نوروزی مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران



منظور نزدیک شدن به دیگران و ایجاد مانع برای همدیگر پی ریزی کنیم، بلعکس ما باید فرهنگ همکاری و قبول همدیگر را تمرین کنیم و در اتحاد با دیگران، آینده مساله کوردستان را از یاد نبریم. آنچه ما از ایرانی‌ها انتظار داریم این است که ایران نباید همان ایران دیروز و امروز باشد بلکه باید ایران متفاوتی باشد، ایرانی که در آن کورد بودن یک هویت پنهانی نباشد و بلکه بصورت رسمی به آن اعتراف شده باشد. البته دامنه‌ی تفکر عمومی ایرانی‌ها تا به امروز میان روال گذشته و سخنان کلی در نوسان است. اما بهتر است که یکبار برای همیشه این مساله را روشن کرد و متوجه باشند که "ای رقیب، ملت کورد همچنان پابرجاست". در سطح بین‌المللی نیز باید این واقعیت را مدنظر قرار داد که حزب دمکرات به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات نیست. لازم است که احزاب در یک جبهه متحد با این مسائل رویه‌رو شوند و یکدست و یکصد و به نام ملت کورد وارد دیاوگ شویم. اگر چه احزاب کوردستانی برای این امر مرکزی را تشکیل داده‌اند اما لازم است که در منسجم کردن تمام مردم شرق کوردستان، سریع‌تر عمل کنیم. بطور کلی در شرایطی به استقبال نوروز ۱۳۹۸ می‌رویم که همه ما به کوردستان چشم دوخته‌ایم. ما انتظار داریم که پی‌گیرتر از سال گذشته در برگزاری مراسم نوروز حساس باشید. به همین خاطر لازم است که خاکی‌پوشان کوردستان، مراکز شهر را به میدان رقص جامانه‌ها بدل کنند.

بار دیگر سال تازه را تبریک می‌گوییم و امیدواریم امسال، سال پیروزی قطعی مردم ایران بر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی باشد.

اعتصاب عمومی را خلق کرد. در منجلابی که رژیم در آن گیر افتاده است، کوردستان با دیدی خوشبینانه مشغول نیرو گرفتن است. نیرویی که خود را در اجتماعات مردمی برای پاسداشت زبان مادری و استقبال از پیشمرگه، نشان می‌دهد. نیرویی که ایمان به کوردستان را بنیاد امروز و فردا می‌داند. همچنین هر گونه توافق و همبستگی را از زاویه حقوق ملت کورد می‌بیند و تحلیل می‌کند. آنچه عیان است این است که شرق و کوردستان بطور کلی، در سطح بین‌المللی تنهاست. این تنهایی به معنای ضعف نیست بلکه بدین معناست که جامعه جهانی بیشتر به تحولات تهران چشم دوخته است و برای آن ارزش قائل است. به همین خاطر و در این برهه از زمان، نیروهای کوردستان در تلاش‌اند تا بتوانند جبهه مخالف رژیم اسلامی را وسیع‌تر کنند. در همان حال نیز "ابوبکر معروفی" ها و "شریف باجور" ها و آنانی که با سرود "خدایا وطن را آباد کن" خود را به سپر نجات کوردستان بدل می‌کنند، فراموش نمی‌کند. آنچه‌که در پایان می‌خواهم به آن اشاره کنم، به موضوع جنبش آزادیخواهی کوردستان مرتبط می‌باشد. ما ملت کورد، بیش از یکصد سال است که قیام بی‌وقفه‌ای را آغاز کرده‌ایم. در این راه سختی‌ها و ناملایمات فراوانی را تجربه کرده‌ایم، اما امروزه در موقعیتی حساس قرار داریم و این حساسیت ما را بر آن می‌دارد تا صفوف نیروهای مان را در کوردستان متحد کنیم و جبهه‌ای جدی و وسیع را با بقیه ایرانیان تشکیل دهیم و صدای جنبش کوردستان را بار دیگر به گوش جهانیان برسانیم. آنچه که بر عهده احزاب سیاسی است، پذیرش این واقعیت است که نباید سیاست خود را بر اساس حذف همدیگر به

کرده است. بدین معنا که رژیم تنها منابع این سرزمین را برداشت کرده است بدون آنکه در کوردستان دست به سرمایه‌گذاری بلند مدتی، بزند. نمونه‌ی آشکار این سیاست در مساله کولیران قابل مشاهده است. اگر کولیران خطر مواجه شدن با مرگ را به جان می‌خرند، قربانی سیاستی هستند که برای چندین دهه است کوردستان را به سود خود، استثمار کرده است. مساله‌ای دیگر که سیستم بی‌ثبات کرده است مساله فرهنگی است. فرهنگی که جمهوری اسلامی سال‌ها بر مردم تحمیل کرده، فرهنگ مردان چندین قرن پیش است. اما خیزشی در مقابل این فرهنگ در جریان است، خیزشی که رهبری آن به دست زنان و طبقه متوسط جامعه است. در واقع شعاع اجرایی شدن آنچه که آیت‌الله‌های جمهوری اسلامی خواهان آن هستند تا درون خانه‌های آن‌ها نیز، برد ندارد. نحوه ظاهر شدن فرزندان این گروه در دنیای مجازی نشان دهنده این واقعیت است که فرهنگ مورد تأیید و مورد پسند مردم، با ارزش‌های حکومتی فاصله‌ی زیادی دارد. مردم کوردستان از همان ابتدا به دنبال تصویر خمینی در ماه نبودند، بلکه برای این مردمان، انسان‌هایی که با از خودگذشتگی کامل و سرشار از امید، ارزشمندترین سرمایه زندگی‌شان را فدای می‌کنند و به صفوف پیشمرگه می‌پیوندند و در عالی‌ترین سطح انسانیت، جان خود را فدای مردم و سرزمین‌شان می‌کنند، منبع ارزش و الگوی فرهنگی آن‌ها هستند. فرهنگی که در این مرحله نوین و در "راسان قرسقل، کوسالان، حماسه‌ی کرماشان، نوروز جامانه و خاکپوشان، جشن پرچم و

تمام مفاهیمی است که رژیم تا به امروز مردم را به آن مشغول کرده است. اگر قبلاً معادلات سیاسی حول اصلاح طلبی و اصولگرایی رقم می‌خورد، امروزه به سوی تقابل میان مردم و کلیت نظام تغییر یافته است، به عبارت دیگر، تقابلی سخت میان مردم و نظام وجود دارد که موجب می‌شود جمهوری اسلامی به "مادورای" خاورمیانه بدل شود. اینجاست که اهمیت اراده مردم آشکار می‌شود و ما می‌بایست گام‌های بیشتری به سوی آن برداریم، همان سیاست و درکی که حزب دمکرات در چارچوب راسان آنرا "پیوند میان شهر و کوهستان" می‌نامد، همان اراده‌ای که مسیر همه این بازی‌ها را یکسویه می‌کند.

طرف دیگر این موضوع فروپاشی اقتصادی ایران است، فروپاشی که ریشه‌ی آن در فساد، مونیوپول کردن منابع اقتصادی، کاهش صادرات نفت، صرف ثروت کشور در خارج از مرزها، تخصیص بودجه‌های هنگفت برای خرید تجهیزات نظامی، دو برابر کردن بودجه‌ی وزارت اطلاعات، مراکز مذهبی شیعه و نیروهای سرکوبگر قرار دارد. تمام این مسائل در حالی روی می‌دهند که ما روزانه شاهد تعطیلی کارخانه‌های کوچک و بزرگ و مهم‌تر از همه، نبود سرمایه‌گذاری خارجی هستیم که اهمیت بسزایی برای تجدید حیات اقتصادی ایران دارد. اما به دلیل سیاست‌های اشتباه و نادرست جمهوری اسلامی، شرکت‌های بزرگ جهان حاضر به حضور در بازار پر ریسک ایران نیستند.

اگر بحران اقتصادی در ایران مشکل بزرگی محسوب می‌شود اما در کوردستان این معضل مضاعف و چند برابر است. چرا که جمهوری اسلامی با کوردستان، همانند مستعمره‌ای داخلی تعامل

فعالیت‌های خود را آغاز کردند تا به صورت متحد و یکپارچه به استقبال تحولات بشتابند. سالی که سیاست‌های رژیم با مواعی جدی و ویرانگر رویه‌رو شد و اقتصادش به علت سیاست‌هایی که در پیش گرفته بود در سراسیمگی فروپاشی قرار گرفت، سالی که نمایندگان ملیت‌های تحت ستم و تعدادی از نیروهای ایرانی اتحادی تحت لوای "همبستگی برای آزادی و برابری" را تشکیل دادند تا جبهه‌ای وسیع‌تر علیه جمهوری اسلامی ایران شکل دهند. همه این‌ها و ده‌ها نمونه‌ی دیگر خبر از آن می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در سال نو در مقابل ده‌ها معضل و مشکل انباشته شده، ناچار از سرکشیدن جام زهر می‌شود و "نرمش قهرمانانه" دیگری‌ست و بازگشتی به پای میز مذاکره با آمریکا، در واقع باید گفت در غیر اینصورت هیچ راه دیگری جز سقوط و فروپاشی در پیش رو ندارد. با سقوط رژیم نیز مبارزه در کوردستان و ایران آغاز می‌شود، اگر چه مذاکره با آمریکا و پذیرش شروط این کشور از سوی رژیم نیز تنها عمر جمهوری اسلامی را برای مدت کوتاهی تمدید کند. مسیر مبارزاتی ما، به مانند حزب دمکرات، روشن است و به خوبی بر جایگاه خود در تغییر و تحولات، آگاه هستیم و می‌دانیم که به چه سمت و سویی گام برمی‌داریم. از دیدگاه ما، جمهوری اسلامی تنها از سوی جامعه جهانی مورد تهدید نیست، بلکه عامل اصلی سقوط آن، خواست و اراده‌ی مردم است. اولین ایستگاه، بحران سیاسی است. جمهوری اسلامی، چه جناح اصلاح‌طلب و چه اصولگرایی این رژیم، دچار فروپاشی سیاسی شده است. به معنای ساده این فروپاشی، نابودی

هم‌میهنان عزیز، ملت مبارز کوردستان

در آستانه‌ی نوروز امسال و به نام حزب دمکرات کوردستان ایران شما را مخاطب قرار می‌دهم تا از این طریق سیمای سالی را که پشت سر گذاشتیم و سالی که پیش رو داریم، توضیح دهیم. ولی پیش از آن اجازه می‌خواهم تریکات خود را به این مناسبت تقدیم به روح پاک همه شهدای راه رهایی کوردستان و خانواده‌های عزیزشان نمایم. درود و تریکات گرم ما تقدیم به همه زندانیان سیاسی که تنها به جرم دفاع از حقوق شایسته کوردها در زندان‌های رژیم سر می‌برند، درود و تریکات ویژه به کادرها، پیشمرگه ها، اعضا و هواداران حزب دمکرات که در جریان سال ۱۳۹۷ نقش برجسته‌ای در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایفا کردند. تبریک و دست مرزاد می‌گویم به همه ی فعالین سیاسی - مدنی که طی سال ۱۳۹۷ کوشیدند صفوف مردم ناراضی از دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی، از همه طبقات و اقشار جامعه را متحد نمایند تا بصورت یکپارچه صدای حق طلبی خود را فریاد بزنند و مبارزات شهرها را محقق و نیرومند سازند.

خواهران و برادران عزیز سال گذشته، سال استمرار فصل نوین مبارزات کوردستان بود که به "راسان روزها" تعبیر شده است، سالی که سازمان "عفو بین‌الملل" آنرا سال "شرم برای جمهوری اسلامی ایران" نامیده بود. سالی که طی آن ملت کورد اراده‌ی پولادین خود علیه استبداد جمهوری اسلامی را طی اعتصاب سراسری به نمایش گذاشت و نیز در همین سال بود که حزب دمکرات و نیروهای دیگر کوردستانی، در چارچوب "مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران"

رژیم از ترس مراسمات نوروز، کارت هنرمندان کورد را تا پایان نوروز ضبط کرد



اداره‌ی اماکن در شهر کامیاران، اقدام به ضبط کارت خوانندگان این شهر تا پایان نوروز کرده است. اداره‌ی اماکن رژیم ایران در شهر کامیاران، از طریق ارتباط تلفنی، از خوندگان و هنرمندان این شهر خواسته کارت هنری خود را تحویل این مرکز دهند. بر اساس منبع خبری موثق، این اقدام اداره‌ی اماکن شهر کامیاران جهت جلوگیری از مشارکت هنرمندان این شهر در مراسمات نوروز می‌باشد. این منبع می‌گوید : اداره‌ی اماکن شهر کامیاران به هنرمندان این شهر اطلاع داده است که کارت هنری خود را تا پایان نوروز تحویل این مرکز دهند و در این مدت حق مشارکت در مراسمات نوروزی را ندارند. این منبع خبری می‌افزاید،

اداره‌ی اماکن در شهر کامیاران، اقدام به ضبط کارت خوانندگان این شهر تا پایان نوروز کرده است. اداره‌ی اماکن رژیم ایران در شهر کامیاران، از طریق ارتباط تلفنی، از خوندگان و هنرمندان این شهر خواسته کارت هنری خود را تحویل این مرکز دهند. بر اساس منبع خبری موثق، این اقدام اداره‌ی اماکن شهر کامیاران جهت جلوگیری از مشارکت هنرمندان این شهر در مراسمات نوروز می‌باشد. این منبع می‌گوید : اداره‌ی اماکن شهر کامیاران به هنرمندان این شهر اطلاع داده است که کارت هنری خود را تا پایان نوروز تحویل این مرکز دهند و در این مدت حق مشارکت در مراسمات نوروزی را ندارند. این منبع خبری می‌افزاید،

وزارت اطلاعات رژیم اسلامی ایران با مرخصی نوروزی والی درودی، مخالفت کرد



این زندانی سیاسی کورد به اتهام همکاری با یکی از احزاب کوردی متخاصم حکومت فاشیستی-مذهبی ایران به حبس ابد محکوم شده بود و بعد از ۱۸ سال حبس، برای اولین بار در دی ماه سال ۹۳ به مدت ۸ روز به او مرخصی داده شد. " والی درودی" اهل روستای "چرسانه" کامیاران و یکی از زندانیان دهه ۶۰ شمسی می‌باشد که در سال۱۳۷۲ از زندان آزاد شد اما بار دیگر درسال ۱۳۷۵ از سوی نیروهای تروریستی- اطلاعاتی رژیم بازداشت و طی محاکمه‌ای ناعادلانه و فرمایشی به اتهام همکاری با یکی از احزاب کوردی به حبس ابد محکوم شد.

وزارت اطلاعات رژیم اسلامی ایران با مرخصی یک زندانی سیاسی کورد اهل کامیاران مخالفت کرد. به گزارش آژانس خبررسانی کُردپا، مسئولان اداره اطلاعات شهر یزد با مرخصی نوروزی "والی درودی"، زندانی سیاسی کورد اهل کامیاران مخالفت کرده‌اند. به گفته یکی از منابع موثق خبری، اداره اطلاعات یزد با مرخصی نوروزی زندانیان سیاسی زندان یزد موافقت کرده اما درخواست مرخصی "والی درودی" را رد کرده است. پیشتر و بعد از پیگیری‌های مداوم " والی درودی" و خانواده‌اش، سرانجام قوهی قضائیه رژیم با کاهش حکم " و الی درودی" موافقت نموده و حکم او را از حبس ابد به ۲۵ سال کاهش داد.

ساتیاری آتش نوروزی را برافروخت



کندت تا پیامی باشد برای دشمنان کورد و کوردستان. کوردها بر این باورند که نوروز نماد مقاومت و تجدید حیات ملی و فرهنگی آنان است و در طول تاریخ همیشه از این واقعه طبیعی برای ابراز وجود و سر دادن سرود زندگی بهره جسته‌اند.

اسفندماه با حضور در "ترغه" به شادی و پایکوبی پرداختند و فرارسیدن نوروز کوردواری را جشن گرفتند. مرکز همکاری‌های احزاب کوردستان پیش‌تر با انتشار بیانیه‌ای از مردم خواسته بود که مراسمات نوروز کوردواری را در مقیاسی وسیع برگزار

جوانان کورد در این مراسم را نشان می‌دهد که حاکی از امید این مردمان به آینده‌ای روشن و انسانی است. پیشتر نیز، مردم مبارز و آزادیخواه بوکان، بدون توجه به تهدیدات سپاه تروریستی پاسداران که نباید مراسمات نوروز را برگزار کنند، روز جمعه بیست‌وچهارم

استقبال شهرها و روستاهای مختلف کوردستان از نوروز کوردواری و برافروختن آتش نوروز، فارغ از تهدیدات سپاه پاسداران، همچنان ادامه دارد. برپایه گزارشات منتشر شده، روستای ساتیاری از بخش باینگان استان کرمانشان، با برافروختن آتش و برگزاری جشن و پایکوبی به استقبال سال نوی کوردی رفت. در این مراسم، مردان و زنان کورد با لباس‌های رنگین کوردی و آتش به دست، آتش بزرگ نوروز را برافروختند تا بصورت سمبلیک، تاریکی و ظلمات را نابود و روشنایی را به سرزمین خود هدیه کنند. عکس‌ها و ویدئو-کلیپ‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، حضور گسترده‌ی

"ترغه" به استقبال نوروز کوردواری رفت

کوردستان پیش‌تر با انتشار بیانیه‌ای از مردم خواسته بود که مراسمات نوروز کوردواری را در مقیاسی وسیع برگزار کنند تا پیامی باشد برای دشمنان کورد و کوردستان. در بخشی از این پیام آمده است: طی سال‌های اخیر در کوردستان، مراسمات نوروزی به صورت پررنگ‌تر از همیشه و با سردادن شعار و پیام و با نمادهای ویژه

با حضور در "ترغه" به شادی و پایکوبی پرداختند و فرارسیدن نوروز کوردواری را جشن گرفتند. در این مراسم دختران و پسران نوجوان با سردادن سرودهای ملی و حماسی، احساسات عمیق خود را نسبت به کورد و کوردستان نشان دادند و فضایی سرشار از امید نسبت به آینده را ایجاد کرده بودند. مرکز همکاری‌های احزاب

فارغ از فشار و تهدیدات سازمان‌های امنیتی- تروریستی ایران، مردم بوکان به استقبال نوروز کوردواری رفتند. وب‌سایت کوردستان میدیا اعلام کرده‌است، مردم مبارز و آزادیخواه بوکان، بدون توجه به تهدیدات سپاه تروریستی پاسداران که نباید مراسمات نوروز را برگزار کنند، روز جمعه بیست‌وچهارم اسفندماه

فارغ از فشار و تهدیدات سازمان‌های امنیتی- تروریستی ایران، مردم بوکان به استقبال نوروز کوردواری رفتند.

وب‌سایت کوردستان میدیا اعلام کرده‌است، مردم مبارز و آزادیخواه بوکان، بدون توجه به تهدیدات سپاه تروریستی پاسداران که نباید مراسمات نوروز را برگزار کنند، روز جمعه بیست‌وچهارم اسفندماه

رژیم ایران مانع از برگزاری مراسم نوروز کوردواری در ملکشاهی شد



نقش کلیدی در برهم زدن مراسم نوروز کوردواری امسال ایلام داشته‌اند. کوردها بر این باورند که نوروز نماد مقاومت و تجدید حیات ملی و فرهنگی آنان است و در طول تاریخ همیشه از این واقعه طبیعی برای ابراز وجود و سر دادن سرود زندگی بهره جسته‌اند.

شخصی‌اش هجوم برده‌اند اما نتوانسته‌اند او را بازداشت کنند. از سوی دیگر، نیروهای تروریستی طی تماسی با علی ملکشاهی، از فعالین مطرح کورد ایلام، او را تهدید کرده‌اند که نباید در رابطه با وقایع اخیر اطلاع رسانی کند و در مراسمات نوروز کوردواری حضور داشته باشد. بر پایه اظهارات مردمی، جاش‌ها

آتش با آنان برخورد قضایی خواهد شد. این منبع خبری می‌افزاید: با تمام این اوصاف مردم ملکشاهی بر برگزاری مراسم نوروز تاکید کردند و همین باعث شد تا در روز سه‌شنبه، نیروهای تروریستی انتظامی و اطلاعات با همراهی‌ها جاش‌ها و مزدوران کورد به محل برگزاری مراسم هجوم برده و وسایل برگزاری مراسم از جمله هیزم‌های جمعه شده برای آتش نوروزی را، ضبط کردند. کوردها، به مزدوران و خائنین به وطن جاش می‌گویند. همچنین شاهدان عینی از جو شدید امنیتی حاکم بر ملکشاهی و نیز حضور گسترده نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در محور ملکشاهی-میمه خبر می دهند. کُردپا در همین رابطه افزود: حکم جلب نبی کریمی از سوی دادگاه صادر شده و نیروهای اطلاعاتی برای بازداشت او به خانه‌ی

نیروهای تروریستی-اطلاعاتی ایران با هجوم به خانه فعالین فرهنگی و تهدید مردم ملکشاهی، مانع از برافروختن آتش نوروزی و برگزاری مراسمات سال نو شدند. برپایه گزارشی از آژانس خبررسانی کُردپا، در حالی که مردم ملکشاهی ایلام خود را برای برگزاری مراسم نوروز کوردواری در روز سه‌شنبه بیست‌وهشتم اسفندماه آماده می‌کردند، نیروهای تروریستی اطلاعات و نیروی انتظامی به منازل فعالین فرهنگی این شهرستان هجوم برده و دست به ارباب مردم زده است. آژانس خبررسانی کُردپا به نقل از منبع خبری خود نوشت: از چندین روز پیش، نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران با اکثر فعالین فرهنگی ملکشاهی تماس گرفته و آنان را تهدید کرده که در صورت برگزاری جشن نوروز کوردواری و برافروختن

KMMK-G: افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی ملیت‌های ایران نگران کننده است

اشاره کرد و افزود: ترور فعالان ملیت‌های ایران در اروپا مایه نگرانی جدی ماست. قابل ذکر است که طی روزهای اخیر حزب دمکرات کوردستان ایران با انتشار گزارش مفصلی به تشریح ترورهای انجام شده علیه اعضا، کادر و پیشمرگه‌های خود از سوی رژیم ایران پرداخته است. در این گزارش به مکان، تاریخ و نحوه‌ی ترور ۳۷۲ نفر از اعضای حزب دمکرات بدست نیروهای تروریستی جمهوری

به نقض گسترده حقوق بشر در کوردستان پرداخت. تیمور الیاسی در این گزارش اعلام کرد: ما نسبت به افزایش آمار کشتار کولبران در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت ایران و افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی ملیت‌های ایران نگرانیم. نماینده جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو در بخش دیگری از گزارش خود به موشک‌باران مقرهای حزب دمکرات و ترور فعالان کورد

جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل به تشریح جنایت‌های رژیم تروریستی ایران اسلامی، علیه ملیت‌های ایران پرداخت. بر پایه گزارشی از آژانس خبررسانی کُردپا، روز دوشنبه بیستم اسفندماه، تیمور الیاسی، نماینده جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو با شرکت در چهلمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل با قرائت گزارش مفصلی،

جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل به تشریح جنایت‌های رژیم تروریستی ایران اسلامی، علیه ملیت‌های ایران پرداخت. بر پایه گزارشی از آژانس خبررسانی کُردپا، روز دوشنبه بیستم اسفندماه، تیمور الیاسی، نماینده جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو با شرکت در چهلمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل با قرائت گزارش مفصلی،

پویایی شکنجه در نظم حقوقی–امنیتی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی

محل اعتناست عدم الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور و در نتیجه عدم الزامش به تعهدات مصرح در کنوانسیون است. هر چند بر اساس حقوق بین‌الملل رهایی از شکنجه از مصادیق قاعده آمره بوده و به کرات در آرای محاکم کیفری بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است. با عدم التزام رسمی جمهوری اسلامی به کنوانسیون، بایستی به سراغ موضع قوانین داخلی در این موضوع رفت.

اصل ۳۸ قانون اساسی در این خصوص مشعر است بر: "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است".

با وجود تصریح به ممنوعیت مطلق شکنجه در قانون اساسی، رویه دادگاه های انقلاب از بدو تشکیل مبین عدم ارزش‌گذاری حقوقی نسبت به این ممنوعیت بوده است. مضاف بر اینکه ایران از معدود کشورهایی است که فاقد دادگاه قانون اساسی بوده و لذا اصول مندرج در این قانون عمدتا ماهیت سمبلیک و نه حقوقی دارد.

برای عینیت بخشیدن به موضوع نیاز است رویه دادرسا و محاکم دادگستری در این خصوص مورد تحلیل حقوقی قرار بگیرد.

لذا نوشتار پیش روی قرار نهایی شعبه چهارم بازپرسی دادرسای عمومی و انقلاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار می

 دادگستری کل استان کردستان شعبه چهارم بازپرسی دادرسای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج قرار نهایی دادرسا	ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی
ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی	ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی

جهت استمرار حاکمیت خویش است. آنچه بسیار

سیاسی طی عملیاتی خشن و بدون دستور قضایی توسط نیروهای اداره اطلاعات در سال ۱۳۹۵ توسط نیروهای امنیتی(در این کیس اداره اطلاعات کوردستان) بازداشت

 دادگستری کل استان کردستان شعبه چهارم بازپرسی دادرسای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج قرار نهایی دادرسا	ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی
ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی	ردیف نام خانوادگی نام پدر نام و نام خانوادگی مادر تاریخ تولد شماره پرونده محل اقامت محل اقامت فعلی

می‌گردد.

با انتقال به بازداشتگاه اداره اطلاعات به اصطلاح بازجویی فنی از نامبرده که مقرون به شکنجه جسمی و روحی شخص بوده، شروع و بلاخره تحت فشار شدید غیر انسانی، از نامبرده اقراربیری داتر بر مصادیق مجرمانه مد نظر تیم بازجویی اخذ می‌گردد. متعاقب این امر، قربانی در اولین فرصت حاصله مبادرت به طرح شکایت علیه مامور یا مامورین اداره اطلاعات می‌نماید. شاکی در شکایت خود به صراحت از آزار و شکنجه جسمی خود در ایام بازداشت امنیتی خود می‌گوید.

متعاقب بررسی ادعای شکنجه، بازپرس شعبه با لحاظ فقدان دلیل و ایضا مستند به نامه حفاظت اداره کل اطلاعات کوردستان که ماهیت آن در قرار مکتوم است، مبادرت به صدور منع تعقیب مامور اداره اطلاعات کوردستان می‌نماید. که متعاقب اعتراض شاکي، شعبه‌ای از دادگاه کیفری دو شهرستان، عینا قرار را تایید می‌نماید.

شکنجه از شنیع‌ترین جنایات‌های وارده بر تمامیت جسمانی و روانی انسان است. مبنای عدم مشروعیت این‌عمل نقض کرامت و شرافت انسانی است. با این وصف، ملاحظه می‌شود رویه بازپرس در این پرونده منصرف از تمامی ملاحظات انسانی، ناقض حقوق موضوعه خود جمهوری اسلامی نیز می‌باشد.

شکوايه قربانی شکنجه صراحتا

شکوايه قربانی شکنجه صراحتا

شکوايه قربانی شکنجه صراحتا

کوردستان

سالی که گذشت



خالد درویشه

در حالی ملل تحت ستم نظام استبدادی در آستانه نوروز ۹۸ عزم دریدن خرقه مملو از لک‌های فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... منبعث ازغیرمسئول‌ترین و غیردمکراتیک‌ترین رژیم‌های معاصر را در سردارند، که بحران‌های فراوان و از جمله بحران مالی نظام اقتصادی دست در حلق‌شان کرده و نای نفس کشیدن‌شان را تنگ‌تر کرده است.

سالی که گذشت، یکی از بحرانی‌ترین سال‌های حاکمیت نظامی بود که چهل سال پیش با وعده‌هایی چون آوردن پول نفت بر سفره‌های مردم، نوید فردای بهتر و مرفه‌تر از آنچه بود را می‌داد. در حالیکه روز به روز شاهد خالی‌تر شدن و کوچک‌تر شدن سفره‌های‌شان بوده و خواهند بود. صف‌های طولانی و درازمدتی که نشان از اوج جان به لب رسیدن مردمانی بود که برای زنده ماندن با مرگ دست به گریبان بوده و چه حقارت‌هایی که بر سرشان نیامد.

بعد از اعتراضات گسترده و همگیر دی‌ماه ۹۶ و از ابتدای ۹۷ نرخ ارز روز به روز فزونی گرفت و رکورد تاریخی و بی‌سابقه خود را تا مرز رسیدن به ۲۰هزار تومان برای یک دلار را شکست. علی‌رغم بکارگیری شیوه‌های نادرست و غیرعلمی و انحرافی در بکارگیری و احتساب نرخ بیکاری، رویه‌روز شاهد افزایش تعداد بیکاران و پیوستن‌شان به سیل عظیم بیکاران بودیم. درحالیکه طبق ادعای مسئولین رژیم، سال گذشته می‌باست سال حمایت از تولیدات داخلی می‌بود، کمتر روزی بود که شاهد تعطیلی و ورشکستگی مستمر بنگاه‌های تولیدی نباشیم. روزی را نمی‌توان یافت که تحصن و اعتراضات معلمین، کارگران، مالباختگان، طبقه و قشرها مختلف جامعه، سرتیتر خبرهای داخلی و خارجی نباشند.

کاهش چشمگیر و ملموس رغبت سرمایه‌گذاران و خروج و تعطیلی شرکت‌های تولیدی علی‌رغم همه تلاش‌های رژیم بویژه بعد از خروج یک جانبه اما موثر آمریکا از برجام، با اروپایی‌ها در چارچوب سیاست‌های یوپولیستی و صرفا منفعت‌طلبانه رژیم با بکارگیری سیاست رد دادن با دست و پیش کشیدن با پا هم، چنانچه ساز و کار حقوقی مالی اتحادیه اروپا تحت عنوان "اینس تکس" تا بحال نه تنها عملی نشده بلکه به احتمال قریب به یقین امید به ماندگاری‌اش هم در هاله‌ای از ابهام است، همه امیدهای سران رژیم را به حداقل ممکن رسانده و فزونی درگیری لفظی مابین چپاولگران اموال مردم را در پی داشته است.

اگرچه بیشتر تحلیلگران اقتصادی نرخ تورم افسار گسیخته را برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشتر از سه برابر و عمدتا برای کالاهای خوراکی در سید مصرفی خانوارها را بیشتر از دو برابر و بعضا بیشتر از چندین برابر می‌دانند، نرخهای اعلامی متناقض از سوی مراکز حکومتی نادرست و هدفمند و غیرواقعی بوده، به شیوه‌ای که مردم واقعیات موجود را با پوست و استخوان درک کرده و در زندگی روزمره‌شان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و دیگر آمارهای کذب رژیم، گوش شنوایی ندارد. تا جایی که مراکز غیرعلمی و سران غرق شده در ولایت فقیه رژیم نیز در چهار ماه اخیر، با به یدک کشیدن صفت وقاحت‌شان از اعلام نرخهای جعلی حداقل تا حالا، امتناع کرده‌اند.

با چنین اوضاع و احوالی و بر طبق شاخص‌های کلان اقتصادی چون تورم، بیکاری، نرخ رشد اقتصادی و... و مزید بر این شاخص‌ها، اظهارنظر و گزارشات موسسات مالی و اقتصادی بین‌المللی سندی مبرهن و گویای واقعیت انحطاط و شکست اقتصادی رژیم در سال ۹۷ می‌باشد و بدون شک اقتصاد ایران در سال آینده نیز کما فی السابق حرفی برای گفتن نخواهد داشت و بیشتر از پیش در لجن‌زار سیاست‌های ناکجاآبادی و غیرعلمی سران رژیم فرو خواهد رفت.

با دانش به اینکه عامل اصلی و ریشه واقعی همه مشکلات و بحران‌های عدیده موجود در جغرافیای ایران، نظام و ساختارهای ناکارآمد جمهوری اسلامی می‌باشد، بدون شک راهکار و راه برون رفت از چنین پدیده‌های نامطلوبی گذار از چنین نظامی است. که اتحاد و همکاری نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه توام با همراهی و در صحنه بودن ملل جان به لب رسیده همچون کاتالیزوری ما را در رسیدن به بهار آزادی مساعدت خواهد کرد.

سه اصل رئالیستی در سخنان مصطفی هجری

ستم نجات یابد. وی به رویکرد درست حزب در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی اشاره کرد و گفت که ما از همان اوایل اعتقاد و باوری به کارآمدی رژیم نداشتیم و در رفراندوم و انتخابات آن نیز شرکت نکردیم و باور نیز نداشتیم که از دل چنان سیستمی «آزادی» برآید. اما چهل سال گذشت تا مردمان دیگر ایران و جهان به چنان نتیجه‌ای رسیدند.

با این حال، ما خود در چهار دهه گذشته مبارزه‌ای مستمر انجام دادیم و تاکنون هیچ ظلم و فشاری نتوانسته مانع اراده ما در پیشبرد فعالیت‌هایمان شود. مسئول اجرایی حزب دموکرات سپس با اشاره به تظاهرات و ابراز ناراضی‌های مردم در داخل، تحریم آمریکا، فشار و انتقاد اروپا و تلاش کشورهای عربی برای اتحاد در مقابله با ایران اشاره کرد و تاکید داشت که نباید تصور کرد که صرفاً



دکتر محمد حسین‌زاده

مصطفی هجری مسئول اجرایی حزب دموکرات روز ۱۱ اسفند ماه در سمیناری که از سوی تشکیلات داخلی و با حضور تعدادی از اعضاء این حزب برگزار شد، در یک سخنرانی که محوریت آن حول وضعیت بحرانی ایران در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی بود، به برخی از سیاست‌ها و استراتژی مبارزاتی حزب دموکرات کوردستان ایران اشاره کرد. در این سخنان که همزمان با چهلمین سال اعلام فعالیت آشکار مجدد حزب ایراد شدند، نکاتی وجود داشتند که روح «رئالیسم سیاسی» بر آنها حاکم بود. من در این نوشتار قصد دارم که به برخی از این نکات بپردازم و استدلالاتی در صحت و مناسبت رویکرد رئالیستی و واقع‌گرایانه با شرایط کنونی کوردستان ارائه دهم. لازم به ذکر است که در سمینار فوق مطالب متنوعی در رابطه با سیاست‌های کلان و درون حزبی مورد بحث قرار گرفتند اما این نوشتار صرفاً بر نکاتی که بر سیاست کلی و رویکرد سیاسی-امنیتی تمرکز داشته و در گفتمان رئالیسم جای دارند، می‌پردازد و موارد دیگر مورد بحث این نوشتار نیستند.

در این راستا، لازم است که در آغاز کلیت مباحثی را که مسئول اجرایی حزب دموکرات مطرح کردند به اختصار یادآور شوم و سپس نکات مدنظر خود را به شیوه‌ای دقیق‌تر به بحث بگذارم.

اصطلاح «روح رئالیستی» را از این جهت به کار می‌برم که مفاهیمی سیاسی همچون منافع، قدرت، کوردستان قدرتمند، دشمن قدرتمند، هم‌پیمانی، ائتلاف، گردآوری قدرت و ...که اساساً مفاهیمی برجسته

در ادبیات رئالیستی هستند، در سخنان اخیر او پربسامد بودند. هجری در سخنان خود ضمن اشاره‌ای گذرا به فعالیت‌های حزب دموکرات در کوردستان جنوبی، در روز‌هلات و در کشورهای دیگر، به این نکته اشاره کرد که ما باید در نهایت خالق وضعیتی باشیم که بتوانیم به زادگاه و میهن خویش که از آنجا آواره شده‌ایم بازگردیم و روز‌هلات کوردستان از ظلم و

تحریم‌های خارجی موجبات بحران را فراهم آورده‌اند، بلکه خصیصه ایدئولوژیک بودن رژیم، فساد گسترده و نیز مدیریت افراد ناشایست است که موجب انباشت بحران‌ها شده است.

وی سپس به اهمیت مرحله کنونی اشاره نمود و گفت که نباید فکر کرد که فروپاشی جمهوری اسلامی الزاما و فی‌الفسه به معنای دستیابی کوردها به حقوق ملی خود است بلکه به دلیل نوع

را در معادلات خود محاسبه نکنند و به انزوا بکشانند. او گفت که لازم است که در درجه اول ما از همین حالا آینده را سازماندهی کنیم؛ دوم اینکه خود را به واسطه تقویت پیشمرگه، فعالیت داخلی و حمایت از فعالیت‌های مردم در داخل، اتحاد با احزاب دیگر کوردستان، همکاری با اپوزیسیون ایران با هدف ترغیب آنها برای به رسمیت شناختن حقوق ملی کوردها و نیز از طریق تقویت دیپلماسی در دیگر دولت‌ها، قدرتمند سازیم. این نمایی کلی از سخنان هجری در رابطه با مسائل برون حزبی و مرتبط با ایران و سیاست‌های حزب بود که ابراز شدند.

اما وی به سه نکته اشاره کرد و من آنها را بیانگر نگاه رئالیستی (و البته متناسب با وضع سیاسی کوردها و آینده روز‌هلات) می‌دانم.



واین سه نکته عبارتند از سازماندهی آینده از اکنون (یا آنچه من لزوم طرح استراتژی نامیده‌ام)، آینده‌نگری ظهور تهدیدات و تاکید بر افزایش قدرت و تاکید بر پیشمرگه به عنوان نماد عمده قدرت. در ادامه به شرح این سه خواهم پرداخت:

الف) برنامه‌ریزی کنونی برای اقدامات و جهت‌گیری‌های آینده:

در این رابطه هجری مشخصاً گفت که ما باید آینده را از

چارچوب طرح استراتژی به بحث نشست که آن هم اساساً حاصل دیدگاهی رئالیستی است. پیداست که اندیشه فزون‌سازی قدرت در آینده که غالباً توصیه‌ای واقع‌گرایانه است، لزوم طرح استراتژی را به میان می‌کشد. استراتژی اساساً به این معنا است که اولویت‌ها و اهداف را در قالب یک برنامه کلان که منفعت ملی کوردها را در خود داشته باشد، انعکاس دهیم و مسیر و جهت حرکت را به منظور توانمندسازی خود و دستیابی به اهداف مشخص سازیم. استراتژی سیاست (ورزی) را مشخص می‌سازد و بدیهی است که همه رهبران (و طبیعتاً رهبران احزاب کورد) به آن نیاز دارند.

استراتژی به طور خلاصه یعنی اهداف، روش‌ها/متد و وسایل/ ابزارهایی که با آنها می‌توان به هدفی دست یافت.



سازماندهی آینده از اکنون به این معناست که ما نیازمند استراتژی متناسب، امکان‌پذیر و قابل عملیاتی‌شدن هستیم که کارایی لازم را به همراه داشته باشد و مسیرهای تولید قدرت را مشخص سازد. البته می‌توان از دل استراتژی کلی، استراتژی‌های خاص‌تری نظیر استراتژی اقتصادی و به ویژه نظامی (هجومی- تدافعی) را طرح‌ریزی نمود که هر یک دارای اهمیت خاص خود هستند. در اینجا باید

استراتژی به طور خلاصه یعنی اهداف، روش‌ها/متد و وسایل/ ابزارهایی که با آنها می‌توان به هدفی دست یافت. سازماندهی آینده از اکنون به این معناست که ما نیازمند استراتژی متناسب، امکان‌پذیر و قابل عملیاتی‌شدن هستیم که کارایی لازم را به همراه داشته باشد و مسیرهای تولید قدرت را مشخص سازد.

اهداف به شیوه‌ای دقیق‌تر و خاص‌تر بیان شوند. مثلاً در زمینه فعالیت مسلحانه اهداف نظامی با علوم نظامی و منابع و ابزارهای نظامی متناسب برآورد شوند. به هر حال، تاکید بر برنامه‌ریزی برای آینده ماهیتاً بدان معناست که کوردها نیازمند طراحی استراتژی هستند و باید روش‌هایی برای بکارگیری ابزارهای در دسترس برای نیل به اهداف

داشت. لذا به گفته او کوردها

باید خود را آماده مرحله جدیدی از مبارزه کنند.

مبارزه‌ای مستمر که تنها روش

و شکل آن ممکن است تغییر

نماید، اما خود مبارزه ادامه

خواهد داشت. از نگاه هجری

همین نگاه اپوزیسیون در کنار

اشراف بر ضعف حکومت

مرکزی بود که لزوم سیاست

راسان- خه‌بات شاخ و شار-

با هدف تبدیل روز‌هلات به

داشت. لذا به گفته او کوردها

باید خود را آماده مرحله

جدیدی از مبارزه کنند.

مبارزه‌ای مستمر که تنها روش

و شکل آن ممکن است تغییر

نماید، اما خود مبارزه ادامه

خواهد داشت. از نگاه هجری

همین نگاه اپوزیسیون در کنار

اشراف بر ضعف حکومت

مرکزی بود که لزوم سیاست

راسان- خه‌بات شاخ و شار-

با هدف تبدیل روز‌هلات به

یک نیروی موثر را به میان کشید.

از دیدگاه من این نگاه، نگاهی واقع‌بینانه و متناسب است.

بدیهی است در چنان مسیری

که بسیاری از گروه‌ها

و شخصیت‌های ایرانی

اپوزیسیون مخالف جمهوری

اسلامی طی می‌نمایند و به

حقوق ملی ملت‌ها بی‌توجهی

نشان می‌دهند، احزاب عمده

کورد ناچار و ناگزیرند که

فرض را بر «بدترین حالت

ممکن» بگذارند و راهبردهایی

بر مبنای این منطق طراحی

نمایند.

البته باید اشاره شود که تاکید

بر تهدیدات پسا مرحله ضعف

یا فروپاشی احتمالی دولت

مرکزی و ترس از مخاطراتی

که بقای ملی را در مخاطره

نفی و نابودی می‌افکنند،

بدون پشتوانه نظری و حتی

مصادق‌های تاریخی و کنونی

نیست. نمونه‌های یوگسلاوی

سابق، عراق و سوریه چند

سال اخیر مصادق‌هایی ملموس

و عینی هستند. این موارد نشان

می‌دهند که در فردای فروپاشی

دولت‌های چند ملیتی به

خصوص دولت‌های ستمگر و

دیکتاتور، احتمال سربرآوردن

«آناشرشی نوظهور» که زمینه

«معمای امنیتی» و در نتیجه

منازعه برای بقا میان دولت

با هر یک از ملت‌ها یا میان

ملت‌ها یا گروه‌های متنوع

با همدیگر، بسیار زیاد است.

در تشریح بیشتر باید گفت که

فروپاشی احتمالی دولت منجر

بدان خواهد شد که تلاش هر

یک از گروه‌ها/ ملت‌ها در

مسیر دستیابی به منافع خود، با

تلاش دیگران برای تامین منافع

خودشان تلاقی نمایند. در این

حالت امنیت تعریف شده یک

گروه به معنای تضعیف امنیت

و حتی بقای دیگران خواهد

بود. برای مثال در نظر بگیرید

که تاکید اپوزیسیون فارس در

مخالفت با فدرالیسم چگونه

موجبات تضعیف امنیت کوردها

را فراهم خواهد ساخت. در

چنین حالتی که به احتمال زیاد

قدرت مانور احزاب کوردی

نیز بیشتر خواهد شد، هر یک

از ملت‌ها در ایران همانند

محیط آناشرشیک برون مرزی

- به معنای بی‌سری و فقدان

سلسله مراتب- می‌توانند

و حق دارند که در راستای

تضمین بقا و تامین امنیت خود

رفتار و اقدام کنند. در اینجا

سیاست با ابزارهای فرهنگی

کمتر فرصت خودنمایی خواهد

یافت بلکه معمای نرم امنیتی به

معمای سخت و منازعه شدید

تبدیل خواهد شد.

این بدان معناست که احتمال

زیادی وجود دارد که هر یک از

طرف‌ها از قابلیت نظامی برای

دفاع از هستی خود بهره گیرند.

چنین معماهایی در کشورهای

دیگر نیز رخ نموده‌اند. برای

مثال، «باری پوزن» تلاش

نموده تا مفهوم معمای امنیتی

ادامه‌ی صفحه‌ی ۵

در معنای بین‌المللی آن را برای تشریح و توجیه بروز درگیری‌ها و منازعات قومی به کار گیرد. در انجام این کار، رویکرد پوزن عمدتاً مبتنی بر چیزی است که خود وی آن را آنارشی نوظهور می‌نامد. یعنی هنگامی که دولت‌های چند ملیتی شروع به فروپاشی کنند، گروه‌های قومی و ملی می‌بایست بتوانند امنیت خود را تامین نمایند.

زیرا در چنین شرایطی یک قدرت مرکزی وجود ندارد که امنیت را برای آنها تامین کند. در این حالت، وضعیت شبیه آن چیزی می‌شود که بین دولت‌ها و در سیستم بین المللی در شرایط خوداتکایی به وجود می‌آید. به بیان دیگر، در یک آنارشی نوظهور، همه اجزاء در سطح درون دولتی دقیقاً همانند دولت‌ها در سامانه بین‌المللی عمل می‌کنند.

ساختارهای شبه دولتی در آنارشی بسیار شبیه دولت‌ها رفتار می‌کنند. علاوه بر آنارشی که ذاتاً عامل ظهور بدترین نوع سناریوها می‌باشد، ساختار نیز به سادگی شرایط لازم را بر ظهور معماهای امنیتی ایجاد می‌نماید.

پوزن معتقد است که هر گروهی که ملزم به ایجاد امنیت برای خود شود؛ می‌بایست در خصوص گروه‌های همسایه، این پرسش‌ها را مطرح نماید که آیا آن گروه برای ما تهدید کننده است؟ میزان این تهدید چقدر است؟ باید یادآور شد که در حالتی که رژیم حاکم در دولت‌های چند ملیتی از هم بپاشد، این امر روند بیشتر به چشم می‌آید و این پرسش‌ها امکان طرح بیشتری می‌یابند. بدان معنا که جوامعی که با سقوط یکباره رژیم دیکتاتوری روبرو می‌شوند، به آن وضعیت آنارشی که در نظام بین‌الملل حاکم است، بیشتر شباهت پیدا می‌کنند.

نمونه عراق از زمان فروپاشی رژیم صدام تا ظهور و زوال داعش نمونه‌ای بسیار عینی برای تامل و تفکر است.

اما سخن این است که پیش‌بینی چنان تهدیداتی باید ما را وادار سازد که به فزون‌سازی قدرت

بیندیشیم.

اساساً در مقابل کسانی که حاضر به هیچگونه مذاکره‌ای برای ساختن فردایی بهتر نیستند و تا اندازه زیادی اطمینان داریم که نیت و اهداف خصمانه و تجاوزکارانه دارند، باید آگاه بود و با پیشینه‌سازی قدرت، خود را آماده آن هنگامه‌ای نمود که در مقابل ملت کورد قصد عملیاتی نمودن نیت خصمانه را خواهند داشت. تاکید بر «نیات و انگیزه‌های خصمانه» بدین دلیل است که در عرصه سیاست نیات به اعمال تبدیل شده و برآیند نیات خصمانه چیزی جز اعمال و رفتار تهاجمی و تجاوزکارانه نخواهد بود. در اینجا است که سخنان هجری در رابطه با لزوم آمادگی برای مقابله با تهدیدات، بن مایه‌ای واقعگرایانه به خود می‌گیرند. به خصوص که او به تقابل با تهدیدات از طریق ارتقای

قدرت نظر دارد. او حتی با نقل این رهنمود رئالیستی در سخنان خود که «اگر صلح می‌خواهید، برای جنگ آماده شوید» (یا به گفته وی قدرتمند شوید)، غلیظ‌ترین نوع و نگاه رئالیسم سیاسی را به نمایش می‌گذارد.

شاید او پس از سالیانی تجربه

را عیان ساخته است. هجری نیز به نظر می‌رسد در رویکرد به پیشمرگه تحت تأثیر رهیافت واقعگراها است. او می‌گوید قدرت ما منتج از پیشمرگه ماست. او آنهایی را که پیشمرگه را موثر نمی‌انگارند و یا از پایان دوره پیشمرگه سخن می‌گویند، به صراحت



ناجیز می‌پندارد و حتی آن را سخن دشمنان کورد قلمداد می‌کند که در پی ناامیدی‌سازی جوانان هستند. تحقّقاً چنان که من پیشتر نیز گفته‌ام، پیشمرگه نیروی اصلی و عمده بقای ملت کورد است. آن‌انکه پیشمرگه را گرمی نمی‌دارند یا رویاپردازان خوشبین‌اند یا اذهانشان ناتوان از فهم و هضم واقعیات سیاست شرقی مبتنی بر آموزه «بکش یا کشته شو!».

بدیهی است که واقعگرایان پیشمرگه را ارج می‌نهند چرا که گذشته را چراغ راه آینده دانسته و تغییری بنیادین در «ماهیت سیاست» شرقی و علی‌الخصوص پیرامونی کوردستان احساس نکرداند؛ آنها می‌دانند که سیاست همچنان بر چرخ مفروضات رئالیستی می‌چرخد. در آینده و در شرایط آنارشیک داخلی نیز که مشخصه اصلی آن ناامنی و خشونت است و معمای امنیتی و شاید منازعه

نکته کافی است که بنگرید چگونه دشمنان به طرق مختلف در تلاش برای شکست روش مناسب آماده نمودن پیشمرگه در شاخ برای حمایت از ملت خود در شار هستند. ظریف استغای خود را در اعتراض به کم شدن وزن وزارت خارجه در روابط



خارجی ایران دانست و تحلیل‌گران بسیاری نیز این استعفا را در همین چارچوب مورد مطالعه قرار دادند. اما به نظر نمی‌رسد که این نگاه بتواند تحلیلی جامع از این مساله به دست بدهد.

جایگاه وزارت خارجه در روابط خارجی جمهوری اسلامی چیزی نیست که ظریف اخیراً به آن پی برده باشد و این استعفا تنها توانست به بیشتر علنی شدن این مقوله بیانجامد. گمان نمی‌کنم وقتی ظریف این پست را تحویل گرفته باشد به این واقف نبوده باشد که در زمان صالحی که پیش از وی بر این صندلی تکیه کرده بود طرح توافق هسته‌ای کاملاً خارج از این وزارت خانه و توسط ولایتی پی ریزی شده بود.

یا گمان نمی‌کنم که از یاد برده باشد که چگونه زمانی که منوچهر متکی، در سنگال و برای تحویل پیام رئیس جمهور به آنجا رفته بود خبر

در آینده و در شرایط آنارشیک داخلی نیز که مشخصه اصلی آن ناامنی و خشونت است و معمای امنیتی و شاید منازعه سخت نظامی میان واحدهای متخاصم در جریان باشد، «حفظ بقا» دارای ارزشمندی بسیاری خواهد بود و در چنان لحظاتی تنها پیشمرگه است که می‌تواند رسالت ماندگاری ملت کورد و تقابل با تجاوز و تجاوزگری اشغالگران را با از جان گذشتگی بر عهده گیرد و در نقش نیروی رهایی بخشی ملی عمل کند.

برکناری خود را از رئیس جمهور سنگال شنید. بنابر این پذیرش این نکته که ظریف واقف به جایگاه واقعی وزارت خارجه نبوده باشد و با ساختار واقعی قدرت و تصمیمگیری در ایران ناآشنا بوده باشد کمی دشوار به نظر می‌رسد. دلیل این استعفا هر چه که باشد اما جمهوری اسلامی را در روابط خارجی خود دچار مشکلات بیشتری خواهد کرد. در چنین شرایطی بیش از هرچیز ظریف به عنوان سکانتدار دیپلماسی رژیم، سمبولی از عدم اراده و ناتوانی در تصمیمگیری شناخته خواهد شد. همچنین این مساله بیش از هرچیز واقعیات ساختار قدرت و تصمیمگیری را در ایران آشکار می‌کند.

کوردستان

ظریف در ملاقاتی که وی به آن معترض بود اساساً زمانی توجه جهان را به سوی خود جلب کرد که ظریف با استغای خود آن را برجسته کرد.

لذا این استغای ظریف خود از سوی دیگر نشان دهنده این واقعیت است که علی‌رغم تصویری که تلاش‌های در پیش ذکر شده سعی در ارائه آن دارند، ظریف که نماینده عقلانیت سیاسی جناح اصلاح طلب می‌باشد نیز چندان عقلانی عمل نمی‌کند. نشان دادن عصبانیت به این شیوه آشکار و بازگشت بدون مقاومت به کار در واقع نشاندهنده این است که پشت دیپلماسی ظریف نه عقلانیت بلکه عدم وجود درکی عمیق از واقعیات خوابیده است.

این واقعیت که ظریف بدون هیچ مقاومتی پذیرفت که استعفایش پذیرفته نشود خود به این معنی است که این سکانتدار دیپلماسی رژیم، دارای ویژگی تکانشی می‌باشد.

این بازگشت بی‌افتخار به کار، نشاندهنده این واقعیت است که تا چه حد استغای ظریف بدون سنجیدن جوانب مختلف اتخاذ شده و تا چه حد تکانشی بوده است.

تصمیمهای شبانه و پشیمان شدن شب بعد از آن نمی‌تواند ویژگی خوبی برای سکانتدار دستگاه دیپلماسی یک دولت باشد.

این شرایط اما از آنجا ناشی می‌شود که نه تنها دستگاه دیپلماسی ایران بلکه همه جوانب دولنداری این کشور تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته زیر سایه حاکمیت ایدئولوژیک، از عقلانیت فاصله زیادی گرفته‌اند.

سایه سنگین ایدئولوژی هنوز نیز بر تمام شئون مختلف دولنداری، بخشی از کاراکتر کشور است.

این کاراکتر کشور است که نقشی اصلی در شکل دادن به فرهنگ سیاسی حاکم بر دستگاه دیپلماسی ایران را بازی می‌کند.

در این دستگاه دیپلماسی و تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم یک سری ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مسلط می‌شوند که اجازه رشد و سر برآوردن دیپلمات‌هایی را نخواهند داد که عقلانیت سیاسی و تخصص سرلوحه کار آن‌ها باشد بلکه تنها کسانی می‌وانند از این زرده‌بان بالا روند که الگوهای رفتاری حاکم بر این دستگاه‌ها برای آن‌ها درونی شده باشد.

در غیر این صورت این مقوله به استحاله تدریجی جمهوری اسلامی و یا حداقل تغییر ماهیت آن می‌انجامید.

اگرچه غربی‌ها ممکن است که در نتیجه فاصله زمانی که با دولت‌های ایدئولوژیک پیدا کرده‌اند نتوانند شناختی کاربردی از این نوع دولت‌ها و علی‌الخصوص رژیم ایران داشته باشند اما رفته رفته چنین رفتارهایی از سوی سمبل‌های عقلانیتی که میدیای غربی ساخته‌اند، پوشالی بودن و سطحی بودن شناخت آن‌ها را درخصوص آنچه که برای خود ساخته‌اند، نشان خواهد داد.

عراق در کشاکش ایران – آمریکا



آکری اسماعیل نژاد

سلب شود، به دلیل اینکه آنچه در مجامع سیاسی "مساله کورد" در کشورهای خاورمیانه خوانده می‌شود، یک مساله خاورمیان‌های است و باتوجه به اینکه ایران بخشی از کوردستان را در سیطره خود دارد، هر نوع تحول و قدرتگیری کوردها در بخش‌های دیگر مستقیما بر کوردهای شرق کوردستان که در سیطره ایران هستند، تاثیر خواهد کرد. س هر نوع تحول در راستا احقاق حقوق کوردها و قدرتگیری سیاسی آن‌ها در سطح خاورمیانه از دید جمهوری اسلامی به عنوان یک مساله امنیتی کلان داخلی ایران تلقی می‌شود.

ایران در عراق در دو سطح

کند.
ب: ایران یک حضور ایدئولوژیک نیز در عراق داشت و باتوجه به اینکه قبل از سقوط صدام بخشی از اپوزیسیون شیعه این کشور برای بیشتر از دو دهه در ایران حضور داشتند، ایران توانسته بود در بین اپوزیسیون شیعه عراقی کسانی را تقویت کند که از لحاظ ایدئولوژیک "ولایت فقیه" را قبول داشتند و از لحاظ دینی مقلد "علی خامنه‌ای" بودند.

در این میان می‌توان به گروه حزب الدعوه، جیش البدر و بعدها حزب الله عراق اشاره کرد.

ج: پس از انقلاب ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی با دو حزب

حمایت غیر مستقیم از گروه‌های میلشیای عرب سنی که بیشتر در قالب گروه‌های سلفی جهادی سازماندهی شده بودند. این حضور در پی کسب دو هدف مهم بود:

آ: از طریق اعمال خشونت طرح‌های آمریکا برای عراق پسا صدام را خنثی کند و حضور این کشور در عراق را به باتلاقی مشابه ویتنام تبدیل نماید.

ب: با تقویت گروه‌های سلفی- جهادی سنی از شکل‌گیری گروه‌های سیاسی عرب سنی در بازی سیاسی عراق پس از صدام که آمریکا آن را مدیریت می‌کرد، جلوگیری کند؛ تا بدین شکل به آسانی بتواند در سطح سیاسی عوامل

با چالش جدی روبرو کرد، اما ایران با حمایت از تشکیل گروه حشدالشعبی این چالش را به فرصتی برای تشکیل یک گروه نظامی مختص به خود در عراق تبدیل نمود. گروه نظامی حشدالشعبی در واقع میلشیاهای شیعه هستند که ایران در مقاطع مختلف برای مقابله علیه صدام و بعد ضدیت با حضور آمریکا در عراق تشکیل داده است، این گروه پس از داعش به پشتیبانه‌ای برای گروه‌های سیاسی حامی حضور ایران در عراق تبدیل شده است. ایران از طریق حشد الشعبی، توانست با تسخیر کرکوک قدرت کوردها در سیاست عراق را بسیار کاهش دهد و این مساله زمینه آن را



فراهم کرد که تنفری اجتماعی علیه ایران در کوردستان عراق شکل بگیرد و این تنفر و تضاد منافع گروه‌های سیاسی کوردستان عراقبا همدیگر در سطح عراق زمینه آن را فراهم نمود که جامعه سیاسی این منطقه به دو گروه مخالف ایران

خود را به قدرت برساند.

البته بیشینه نیروهای سنی عراق، ایران را یک دشمن استراتژیک خود تلقی می‌کنند. در نتیجه ایران نیز در تلاش بود، از قدرتگیری این گروه‌ها در عراق پساصدام جلوگیری کند.

اصلی کوردستان عراق، اتحاد میهنی کوردستان و پارت دمکرات کوردستان، ارتباط چند لایه‌ای داشت. این ارتباط در دوران جنگ ایران و عراق بسیار وسیع تر شد، این شناخت و ارتباط که بین جمهوری اسلامی و احزاب

حضور داشت:

یک: سطح سیاسی، بدین مفهوم که ایران در فضای سیاسی، دموکراتیک و قانونی عراق حضور داشت و تلاش می‌کرد، با ایفای نقش در این سطح به اهداف استراتژیک خودش برسد. این نوع حضور ایران از

حضور داعش در عراق زمینه بازگشت نظامی آمریکا به عراق را فراهم کرد و نیروهای نظامی آمریکا در شرایط کنونی که عصر پسا داعش است، در تلاش‌اند با تقویت گروه‌های سیاسی مخالف ایران در عراق قدرت جمهوری اسلامی در عراق را به چالش بکشانند

سه پایه اساسی برخوردار بود:
آ: بکارگیری باور تشیع به عنوان یک سرمایه اجتماعی در عراق که می‌توانست، زمینه حضور سیاسی ایران در این کشور را فراهم کند، این نوع حضور بیشتر ایران را به عنوان

اصلی کوردستان عراق بود، مسبب آن شد که کوردها به عنوان بزرگترین پشتیبانه در به قدرت رسیدن گروه‌های مورد نظر ایران در بغداد در بازی به ظاهر دمکراتیک حضور پیدا کنند، و در یک بازه زمانی ۱۰

حضور دو بعدی جمهوری اسلامی در عراق، هم زمینه کسب قدرت سیاسی توسط حزب الدعوه و دیگر گروه‌های وابسته به ایران در عراق را فراهم کرد و هم عراق را برای آمریکا به کابوس جنگی بدون

و هم‌پیمان ایران تبدیل شوند. مخالفت با حضور ایران در عراق در بین گروه‌های سیاسی کورد قبل از ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ وجود نداشت و تقریبا تمامی گروه‌های سیاسی در سطح عراق به نوعی با جمهوری

در شرایط کنونی حضور ایران در عراق تنها یک حضور امنیتی_سیاسی در راستای تحقق هلال شیعه نیست، بلکه این حضور، نقشی حیاتی و تعیین کننده برای حفظ موجودیت جمهوری اسلامی دارد

پایان تبدیل نمود. خروج آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ در واقع اذعان این کشور به شکست از ایران در عراق بود و این اذعان غیر رسمی زمینه تسخیر بیشتر قدرت توسط گروه‌های وابسته به ایران در عراق را فراهم کرد. حضور داعش در عراق خصوصا در ۲۰۱۴ به بعد، حضور ایران در این کشور را

ساله با حمایت کوردها، حزب الدعوه، مهمترین حزب حامی سیاست‌های ایران در عراق، در راس قدرت در بغداد قرار گرفت.
دو: سطح امنیتی بازایگران این سطح گروه‌های میلشیای شیعه و سنی عراق بودند، جمهوری اسلامی با تقویت و تشکیل گروه‌های میلشیای شیعه و همچنین

یک کشور مدافع حقوق تشیع در جهان معرفی می‌کرد. در این نوع حضور تلاش می‌شود با خدمات رسانی به مراکز مذهبی تشیع، عامه مردم شیعه را از ایران راضی نگهدارند و همزمان با ارتباط گرفتن با مراجع مختلف از جمله علی سیستانی و راضی نگهداشتن آن‌ها از ایران هراسی در سطح نخبه شیعه عراقی،جلوگیری

بر حضور نظامی درصدد است، گروه‌های سیاسی عرب سنی را تقویت کندتا از به حاشیه راندن بیشتر آن‌ها توسط جمهوری اسلامی جلوگیری نماید و همزمان با فشار بر کلیت دولت عراق و نیز تقویت بخشی از نیروهای سیاسی مخالف حضور ایران در عراق اعم از شیعه، سنی و کورد در تلاش است، عراق به ریه تنفسی ایران در عصر آمریکای

دونالد ترامپ تبدیل نشود.

در راستای مقابله با آمریکا ایران از سه طریق عمل می‌کند:
آ: با ایجاد وحشت در بین جامعه تشیع می‌خواهد وانمود کند که ایران تنها حامی تشیع است و در صورت ضعف ایران در معادلات سیاسی جهانی و منطقه جامعه تشیع به دوران سرکوب صدام برمی‌گردد.

ب: تقویت نیروهای ایدئولوژیک سیاسی و نظامی خود در میدان سیاسی عراق
ج: مدیریت سیاسی نیروهای هم‌پیمان خود در عراق در تلاش است به دو هدف کوتاه مدت دست یابد:

یک: از کشور عراق برای دور زدن تحریم‌های چند جانبه آمریکا استفاده کند.

ب: از بازار عراق به عنوان بازاری برای خروج اقتصاد داخلی ایران از رکود استفاده کند.و همزمان به چهار هدف استراتژیک خود که در بالا به آن‌ها اشاره شد نیز دست یابد. عراق پساصدام از لحاظ هویت سیاسی به دلیل وابستگی و گذشته اپوزیسیون‌های عصر صدام حسین که حال به قدرت رسیده‌اند، عملا هیچ هویت مستقل و مختص به خود ندارد، به همین دلیل این کشور به جولانگاه و جغرافیای برخورد منافع دو کشور آمریکا و ایران تبدیل شده است.

در شرایط کنونی حضور ایران در عراق تنها یک حضور امنیتی_سیاسی در راستای تحقق هلال شیعه نیست، بلکه این حضور، نقشی حیاتی و تعیین کننده برای حفظ موجودیت جمهوری اسلامی دارد. باتوجه به نوع برخوردی که دولت عراق با سفر حسن روحانی به این کشور کرد، این امکان وجود دارد که کشور عراق باری دیگر دچار چالش امنیتی و ثبات شود. این چالش جدید در واقع چالشی است که از حاصل تضاد منافع جمهوری اسلامی و آمریکا در عراق پدیدار خواهد شد. مشخص است که آمریکا در سطح منطقه از حمایت ائتلاف عربی_اسرائیلی برای مقابله با ایران در عراق برخوردار است. با عطف به اینکه کشورهای عربی حامی مالی بازسازی عراق پساداعش هستند، پس در عمل باید انتظار داشت، که رقابت ایران و آمریکا در عراق مسبب به تاخیر افتادن بازسازی عراق نیز خواهد شود و این رقابت در زمینه اقتصادی این کشور را با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد کرد.

KURDISTAN

Published by Democratic Party of Iranian Kurdistan ■ No 746 ■ 21 March 2019

روزنامه‌ی «کوردستان» و وب سایت‌های حزب دمکرات کردستان ایران،
در شبکه جهانی اینترنت:

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com
[telegram.me/PDKImedia](https://t.me/PDKImedia)

<http://www.pdk.org>
pdkiran@club-internet.fr

